

---

مجموعه‌ی طراحی صحنه و لباس

دبیر مجموعه: منیره ملکی

---

## رالف کولتای

طراح صحنه

با مقدمه‌ای از ترور نان

گردآوری و ویرایش

سیلویا بکمایر

زیبا موسوی

## فهرست

|          |  |
|----------|--|
| ۹.....   | مقدمه‌ی دبیر مجموعه                      |
| ۱۳.....  | مقدمه‌ی مترجم                            |
| ۱۵.....  | نقش طراح صحنه                            |
| ۱۷.....  | پیشگفتار                                 |
| ۲۱.....  | مقدمه                                    |
| ۲۷.....  | جان ناپیر                                |
| ۳۹.....  | نورمن موریس                              |
| ۵۱.....  | نمایش نماینده                            |
| ۵۳.....  | مایک بارنت                               |
| ۶۹.....  | دیدگاه متمایز                            |
| ۷۹.....  | ظهور و سقوط شهر ماهاگونی ۱۹۶۳ م          |
| ۸۳.....  | اسکیس‌های نمایش ظهور و سقوط شهر ماهاگونی |
| ۹۱.....  | مجموعه عکس نمایشگاه مجسمه با کلاژ فلزی   |
| ۹۵.....  | روزشمار وقایع                            |
| ۹۹.....  | کتاب‌شناسی نویسنده                       |
| ۱۰۳..... | مقاله‌نویسان                             |
| ۱۰۹..... | آثار رالف کولتای (به ترتیب زمان)         |
| ۱۲۹..... | مجموعه عکس از دیگر آثار                  |
| ۱۵۵..... | منابع مترجم                              |

## مقدمه

زمانی که از یک طراح خواسته می‌شود تا صحنه‌ای را برای یک نمایش طراحی کند، او صحنه را تنها از حیث زیبایی‌شناسی تولید، تکمیل و تمام نمی‌کند، گرچه چنین اثری در ذات خود زیباست اما کامل نیست، او می‌داند برای صحنه‌ای که طراحی کرده است اگر نمایشی اجرا نشود و بازیگری در آن نباشد ناقص خواهد بود.

از این جهت که تئاتر یک هنر جمعی است بهتر است به صورت همکاری گروهی و بی‌دریغ انجام شود. نمایشنامه‌ها توسط بازیگران، کارگردانان و طراحان به تصویر کشیده شده و اجرا می‌گردند، تلاش هر کدام از عوامل به صورت جداگانه و فردی ناقص خواهد بود و باید این‌کار را به طور کامل وابسته به یکدیگر انجام دهند.

تفکیک عناصر به هم پیوسته‌ی خلاق در یک اجرای موفق و ارزشمند از یکدیگر کاری بس دشوار است و ارزیابی آن سخت خواهد بود. منتقدان عموماً قادر نیستند بین بازیگران، کارگردانان و طراحان صحنه وجه تمایزی قایل شوند. شاید تعداد انگشت‌شماری از افراد هستند که در ایجاد یک نمایش مشارکت دارند و به شکل موفقیت‌آمیزی کار خود را انجام می‌دهند، اما سخت می‌توان متقاعدشان کرد که از آن‌ها موفق‌تر هم هست و آن اثری است که همه‌ی عوامل اعم از بازیگر، کارگردان، طراحان و سایر عوامل و



عناصر شرکت داشته و برایشان گاه تجربه‌ی ناخوشایندی است چون همه می‌خواهند در بالاترین سطح خود در نمایش ظاهر شوند.

زمانی که اثر جمعی به صورت موفقیت‌آمیز تهیه و اجرا شد، همگی شدیداً احساس لذتی منحصر به فرد را تجربه می‌کنند و این لذت به این جهت است که همه‌ی آن‌ها در یک اثر جاویدان، بی‌مانند و موفق همکاری داشته‌اند.

آیا صحنه‌ی تئاتر اثری مرموز باقی خواهد ماند؟ ما در عصری زندگی می‌کنیم که مردم می‌خواهند درباره‌ی همه چیز اطلاعات کسب کنند، شگفت‌انگیزترین جذابیت سینما، تلویزیون، تئاتر، روزنامه‌ها و مجلات تخصصی همین رمز و رازشان است، هر قدر فرایند شکل‌گیری یک اثر هنری بیشتر تشریح شود به تدریج قدرت خود را از دست خواهد داد. از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ م فرصتی پیش آمد تا شمار زیادی مطالعات مستند در مورد چگونگی تمرین، کارگردانی و بازیگری صورت گیرد و خبرنگاران به پشت صحنه‌ی تولیدات فیلم و تلویزیون پرداختند. با همه‌ی این‌ها هنوز تماشاگران می‌توانند تحت تأثیر اجرا یا فیلم، قرار گیرند و فراموش کنند که می‌دانند چگونه همه‌ی این کارها انجام می‌شود. بخشی که توجه مستندات و تحقیقات را به اندازه‌ی کافی به خود جلب نکرده است، فرایند شکل‌گیری یک اثر هنری توسط طراح صحنه است و این کتاب فعالیت یکی از بهترین طراحان صحنه‌ی جهان را معرفی می‌کند، در حالی که می‌بایست بیش از این به معرفی ایشان و آثارش می‌پرداختیم، بی‌شک او لیاقت تعریف و تمجید بیشتری دارد.

تاریخچه‌ی تحصیلی و کاری رالف کولتای شبیه تاریخچه‌ی چهل‌ساله‌ی تئاتر لندن است. او از نخستین کسانی بود که نمایشنامه‌های کمپانی شکسپیر را به نمایش گذاشت.

در سال‌های آغازین فعالیت کمپانی در استراتفورد و لندن، مشخص شد یک خانه‌ی نمایش کلاسیک که با یک گروه دائمی فعالیت می‌کند، می‌تواند همانند دهه‌های پیش (اگر نگوئیم قرن‌های پیش) نسبت به سایر خانه‌های نمایش اروپا موفق‌تر و تأثیرگذارتر باشد.

## جان ناپیر

### گفتگو با تیم وایت<sup>۱</sup>

جان ناپیر یکی از دانشجویان رالف کولتای در زمانی که رالف بخش طراحی تئاتر دانشکده‌ی مرکزی طراحی و هنر را اداره می‌کرد، بود. اکثر آثار جان ناپیر از تولیدات نمایشی موفق و دیدنی دو دهه‌ی اخیر است. از جمله آثارش می‌توان به گربه‌ها<sup>۲</sup>، دوشیزه سایگون<sup>۳</sup>، استارلایت اکسپرس<sup>۴</sup> و بینوایان<sup>۵</sup> اشاره کرد. تحسین و احترام او به استاد خود واضح و آشکار است و مشتاقانه درباره‌ی رابطه‌ی طولانی مدتشان صحبت می‌کند و چنین عنوان

---

۱. Tim White، دانشیار اصلی تدریس در دانشکده‌ی مطالعات تئاتر و مطالعات سیاست فرهنگی و رسانه‌ای، دانشگاه وارویک انگلستان است.

۲. *Cats*، نمایش موزیکال، موسیقی این اثر از اندرو لوید ویر، کارگردان ترورنن و در سال ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲م در برادوی اجرا شد.

۳. *Miss Saigon*، نمایشی موزیکال که داستانی عاشقانه و غم‌انگیز دارد. موزیک این اثر توسط کلود میشل شونبرگ و آلن بویل ساخته شده و اشعارش توسط بویل و ریچارد مالتی نوشته شده است.

۴. *Starlight Express*، نمایشی موزیکال، اشعار از ریچارد استیل، موسیقی از اندرو لوید ویر.

۵. *Les Miserables*، بینوایان اثری شناخته‌شده از ویکتور هوگو نویسنده‌ی فرانسوی که در سال ۱۸۶۲م نوشته شده است.

می‌کند: من تمام حرفه‌ام را از رالف کولتای یاد گرفته‌ام و مدیون او هستم، او چیزی را در من دید که خود قادر به تشخیص آن نبودم. در اواسط سال‌های ۱۹۶۰م در دوره‌ی طراحی دانشکده‌ی مرکزی هنر و طراحی ثبت‌نام کردم و در نخستین سال، رالف یکی از چند مدرسی بود که من با او رابطه‌ای صمیمانه داشتم. من در رشته‌ی مجسمه‌سازی تحصیل کردم و فقط یاد گرفته بودم سرب را ذوب کنم و مجسمه بسازم و ساعت‌ها این ماده‌ی سمی را استنشاق کنم. رالف مجذوب مجسمه‌سازی و تجربیات پیشین من در این زمینه شد. امروزه این توانایی‌ها در طراحی تئاتر جایگاه ویژه‌ای دارد. اما پیش‌تر اساساً از شیوه‌های کاملاً سنتی در طراحی تئاتر استفاده می‌شد (طراحی آپارتمان‌های فرانسوی).<sup>۱</sup>

رالف و جان بری<sup>۲</sup> از اولین کسانی بودند که برای طراحی صحنه از مصالح مختلفی نظیر چوب، سیمان و داربست استفاده می‌کردند، اما در آن زمان، استفاده از این متریال در طراحی صحنه هنوز گسترش پیدا نکرده بود و درک نمی‌شد. به دلیل شیوه‌های آموزشی منسوخ‌شده و قدیمی تصمیم گرفتم در اواخر سال اول، دانشگاه را ترک کنم و به دنبال کسب تجربه‌های جدید باشم.

من در رشته‌ی مجسمه‌سازی تحصیل کرده بودم و این رشته با نظم ساختاری که در وجود اشیا و مواد داشت به نظر می‌رسید برای از بین بردن موانع طراحی صحنه کارآمد است و مبنایی برای فرم‌ها و شکل‌های بصری در صحنه فراهم

۱. French Flats (traditional scenery). نوعی از صحنه‌آرایی به سبک سنتی بوده است. استفاده از لته‌هایی با فریم و قاب چوبی که یا با پارچه‌ی متقال پوشیده شده یا با تخته‌ی سه‌لایه کاور شده است. وزن این قاب بسیار سبک و برای جابه‌جایی راحت و بسیار مقرون به صرفه است. روی این لته‌ها را یا با تصاویر مختلف نقاشی می‌کنند یا فرمی از دیوار، خانه، آپارتمان، در یا پنجره را در این لته‌ها تعبیه می‌کنند.

۲. John Bury. طراح صحنه و لباس بریتانیایی فعال در تئاتر انگلیس (۱۹۲۵-۲۰۰۰م) اودر برادوی و اپرای ملی فعالیت می‌کرد و رابطه‌ی خوبی با پیتر هال داشت.